

سیاست تجاری جدید چین، تمرکز بر موافقتنامه های تجارت آزاد

محسن شریعتی نیا، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

گسترش صمت

چین یکی از موفقیت آمیزترین سیاستگذاری های تجاری را در سه دهه اخیر به نمایش گذاشته است. موقعیت این کشور در اقتصاد جهانی در مدت کوتاهی از یکی از بازیگران حاشیه ای به دومین قدرت اقتصادی جهان ارتقا یافته است. حجم تجارت خارجی چین در سال ۱۹۷۸ یعنی سالی که برنامه کلان اصلاحات و سیاست درهای باز چین آغاز شد، حدود ۲۰ میلیارد دلار بود، اما در سال ۲۰۱۵ به رقم ۳/۸ هزار میلیارد دلار افزایش یافت. دقت در این دو رقم به خوبی گویای دستاوردهای سیاست تجاری چین در این دوره بوده است.

بی شک یکی از دلایل توفیق سیاست تجاری این کشور در الحاق آن به سازمان تجارت جهانی ریشه دارد. از آغاز دوره اصلاحات و سیاست درهای باز، الحاق به گات و سپس سازمان تجارت جهانی مهمترین اولویت سیاست تجاری این کشور بود. در این دوره طولانی چین زمینه های داخلی لازم برای الحاق موفقیت آمیز به این نهاد را فراهم آورد، به گونه ای که برخی معتقدند بزرگترین اصلاحات قانونی-نهادی در چین مدرن در فرایند الحاق رخ داد. با الحاق این کشور در سال ۲۰۰۱، فرصت های تجاری عظیمی برای شرکت های چینی ایجاد شد. از همین روست که دهه ۲۰۱۰-۲۰۰۱ را دهه طلایی تجارت خارجی چین لقب داده اند.

اما با به پایان بردن فرایند الحاق و به موازات رشد قارچ گونه موافقتنامه های تجارت آزاد در پهنه جهانی و تبدیل شدن آن به روند غالب در این حوزه، سیاستگذاران تجاری چین امضای موافقتنامه های تجارت آزاد با تعداد هر چه بیشتری از کشورها را به عنوان اولویت جدید خود برگزیدند. جداول ذیل، موافقتنامه های تجارت آزاد چین که در سال های اخیر با کشورهای مختلف امضا شده، در حال مذاکره است یا در مرحله امکان سنجی قرار دارد را نشان می دهد:

جدول ۱- موافقتنامه های تجارت آزاد منعقد شده میان چین و سایر کشورها (۲۰۱۲)

طرفین موافقتنامه	سال امضای موافقتنامه
------------------	----------------------

۲۰۰۴	موافقتنامه همکاری اقتصادی نزدیکتر سرزمین اصلی (چین) و ماکائو
۲۰۰۵	چین و آسهان
۲۰۰۷	چین و پاکستان
۲۰۰۶	چین و شیلی
۲۰۰۸	چین و نیوزیلند
۲۰۰۹	چین و سنگاپور
۲۰۱۰	چین و پرو
۲۰۱۰	چین و تایوان
۲۰۱۰	چین و کاستاریکا
۲۰۱۱	چین و ایسلند
۲۰۱۳	چین و سوییس
۲۰۱۳	چین و کره جنوبی
۲۰۱۴	چین و استرالیا

جدول ۲- موافقتنامه‌های تجارت آزاد چین و سایرین (در حال مذاکره)

چین و شورای همکاری خلیج فارس
چین - ژاپن - کره جنوبی
چین و سری لانکا
روزآمد کردن موافقتنامه چین و آسهان
چین و نروژ
مشارکت اقتصادی منطقه‌ای جامع

جدول ۳- موافقتنامه‌های تجارت آزادی که در مرحله امکان سنجی قرار دارند

مطالعات امکان سنجی موافقتنامه تجارت منطقه‌ای با هند
مطالعات امکان سنجی موافقتنامه تجارت آزاد با کلمبیا
مطالعات امکان سنجی موافقتنامه تجارت آزاد مالدیو
مطالعات امکان سنجی موافقتنامه تجارت آزاد گرجستان
مطالعات امکان سنجی موافقتنامه تجارت آزاد مولداوی

تعداد و گستره موافقتنامه‌های امضا شده، در حال مذاکره و در حال امکان سنجی این کشور به خوبی گویای تمرکز سیاست تجاری آن در این حوزه است. از میان موافقتنامه‌های مورد اشاره، موافقتنامه مشارکت اقتصادی منطقه‌ای جامع که چین بر سر انعقاد آن با ۱۵ کشور (اعضای آسه آن، هند، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، نیوزیلند (که جملگی با آسه آن موافقتنامه تجارت آزاد دارند) وارد مذاکره شده است، واجد اهمیت استراتژیک است. در سالهای اخیر و متأثر از رشد برق آسای حجم تجارت چین با طیف وسیعی از کشورها بویژه در شرق آسیا و امضای موافقتنامه تجارت آزاد میان این کشور و آسه آن، نگرانی‌ها از تبدیل شدن آن به قدرت مسلط در این حوزه بالا گرفت. پاسخ به این نگرانی‌ها از سوی آمریکا و متلفین آن در قالب امضای بزرگترین موافقتنامه تجارت آزاد جهان موسوم به موافقتنامه فراپاسیفیکی داده شد، موافقتنامه‌ای که همه بازیگران کلیدی تجارت شرق آسیا به استثنای چین در آن حضور دارند. به دیگر سخن چین از این موافقتنامه و منافع ناشی از آن کنار گذاشته شده است.

چین در مقابل از سال ۲۰۱۲ مذاکرات برای انعقاد موافقتنامه مشارکت اقتصادی منطقه‌ای جامع را کلید زده است، مذاکراتی که به کندی به پیش می‌رود و به دلیل بالا گرفتن تنش میان این کشور با ژاپن و بخشی از اعضای آسه آن با رکود مواجه شده است. چین در فاز دوم سیاست تجاری خود که بر امضای موافقتنامه‌های تجارت آزاد متمرکز است، از یکسو با رقابت آمریکا و متلفینش مواجه است و از دیگر سو سایه سنگین اختلافات سیاسی باعث شده تا مهمترین موافقتنامه‌ای که ابتکار آن را در دست گرفته با مشکلاتی مواجه گردد. بنابراین می‌توان مدعی شد که در فاز دوم

سیاستگذاری تجاری چین از آغاز دوره اصلاحات و سیاست درهای باز، چین با رقابت روزافزون آمریکا مواجه است، رقابتی که تا کنون نتیجه آن را به حریف واگذار کرده است. اما اینکه قدرت های معظم تجاری بر امضای موافقتنامه های تجاری دوجانبه و منطقه ای تمرکز نموده اند، برای بازیگرانی چون ایران که به تدریج در حال حرکت از حاشیه به متن تجارت جهانی اند واجد پیام مهمی است و آن اینکه تجارت جهانی در قرن بیست و یک در حال ورود به دوران پسا سازمان تجارت جهانی است، در حالی که ایران هنوز فرایند الحاق را به طور جدی آغاز نکرده است. اینکه چگونه می توان عقب ماندگی مضاعف ایران از روندهای تجارت جهانی را جبران نمود، پرسشی است که نخبگان اقتصادی-سیاسی ایران باید به طور جدی بدان بیندیشند.